

گذری بر آوردگاه‌های گفتمان اسلام سیاسی و پهلویسم در مطبوعات پیش از انقلاب اسلامی

حسن زندیه^۱

حسینعلی قربانی^۲

چکیده

بخش درخور توجهی از تولید و بازنشر محتوای ایدئولوژیک گفتمان پهلویسم از طریق مطبوعات به‌ویژه موسسه‌های مطبوعاتی اطلاعات و کیهان انجام می‌گرفت. در این حال، پژوهش منسجمی درباره‌ی نقش مطبوعات یادشده، در کشاکش گفتمان اسلام سیاسی با پهلویسم انجام نشده است. از این‌رو، در تحقیق پیش رو به این مسئله توجه گردیده و این پرسش‌ها مطرح شده است که تولید یا بازنشر محتوای ایدئولوژیک در اطلاعات و کیهان چگونه بود و چرا با واکنش حاملان گفتمان اسلام سیاسی روبرو شد و واکنش آن‌ها شامل چه مواردی بود؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حضور مدیران ارشد این دو موسسه در ارکان حکومتی پهلوی و پذیرش منصب سناتوری مجلس و افزون بر آن، برخی تولیدات ایدئولوژیک این دو موسسه، همچون انتشار تقریباً هرروزه‌ی تصاویر شاه و نمادهای سلطنتی همراه با مقالات متعدد، پذیرش و تبلیغ برنامه‌های انقلاب سفید به‌ویژه از سوی مبلغان مذهبی دو موسسه که دین را در راستای اهداف حکومت به خدمت گرفته بودند، سبب موضع‌گیری و تولید محتوای ایدئولوژیک از سوی حاملان گفتمان اسلام سیاسی شد.

کلیدواژه‌ها: اسلام سیاسی، پهلویسم، مطبوعات، گفتمان

Email: zandiyehh@ut.ac.ir

Email: q.hosein@gmail.com

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

۲. دانش آموخته دکتری پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب

اسلامی(نویسنده مسئول)

مقدمه

در دوره تثبیت قدرت محمدرضا پهلوی، گفتمان پهلویسم که ملغمه‌ای از تجدد برون‌زا (هالیدی، ۱۳۵۸: ۵۳) و خودساخته بود. (هنرمند، ۱۳۴۵: ۵۰) به ترویج مجموعه الگوهای پرداخت که واکنش نیروهای فکری و فرهنگی با گرایش‌های مختلف فکری را برانگیخت. به‌طوری‌که در برابر این گفتمان، سه گفتمان کلان شامل؛ گفتمان چپ، گفتمان ناسیونالیسم مشروطه‌خواه و گفتمان اسلام سیاسی شکل گرفت. گفتمان اسلام سیاسی با کنار زدن دو گفتمان ملی‌گرایان جبهه ملی و چپ‌های طرفدار حزب توده، در کوران انقلاب به گفتمان غالب تبدیل شد. (معدل، ۱۳۸۲: ۱۶۵) و در نقش گفتمان رقیب و رویاروی گفتمان پهلویسم قرار گرفت و در نتیجه جنگ تبلیغاتی و مباحثی که بین ایدئولوژی دولت و اپوزیسیون در شرایط متغیر پس از کودتا در جریان بود، رشد یافت. علمای دینی با بدگمانی به گفتمان پهلویسم نگریستند و آن را یک نظام ارزشی - هویتی منحط دانستند که بدیلی را در مقابل هویت اسلامی ارائه کرده است. (هانتز، ۱۳۸۰: ۱۳۲-۱۳۳) گرایش توده‌های عظیم مردم به این گفتمان و رشد اندیشه‌های دینی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نیز چنین نگرشی را تقویت می‌کند. در این دو دهه، نوعی ادبیات شیعی پدید آمد که خوانندگان بسیاری داشت: شمارگان نشریه‌های مذهبی به تدریج افزایش یافت و کتاب‌های مذهبی بیشتر و بیشتر خوانده می‌شد. یک بررسی در سال ۱۳۵۵ نشان داد که تنها در تهران ۴۸۷ ناشر کتاب دینی وجود داشت که ۲۶ واحد آن، فعالیت خود را در دهه‌ی ۱۳۵۵ - ۱۳۴۵ آغاز کرده بود. (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۱۶۵) موسسه‌های مطبوعاتی اطلاعات و کیهان در این دو دهه نقش مهمی در تبلیغ عناصر گفتمان پهلویسم داشتند و مطالبی که این دو روزنامه منتشر می‌کردند، نسل فعال انقلابی را به تکاپو انداخته بود، به‌طوری‌که گروهی به سرپرستی محمدجواد باهنر، مأمور خواندن دقیق این دو روزنامه بودند تا نکات مهم و برجسته‌ی آن که به کار انقلاب و مبارزات سیاسی می‌آمد را پیدا کرده و با تحلیل و موشکافی، نزد امام خمینی ببرند (حجتی کرمانی، ۱۳۹۷) بنابراین استیلاي گفتمان پهلویسم در مطبوعات، نیروهایی را به حرکت درآورد که منعکس‌کننده‌ی رویارویی دو گفتمان رقیب بود. شخصیت‌های شناخته‌شده‌ای همچون عباس مسعودی مدیر موسسه اطلاعات که همراهی‌اش با حکومت پهلوی، در میان مردم فردی محافظه‌کار شناخته می‌شد (اطلاعات دختران و پسران، ۷ آبان ۱۳۴۴: ۴-۵) و مصطفی مصباح‌زاده مدیر مؤسسه کیهان که با

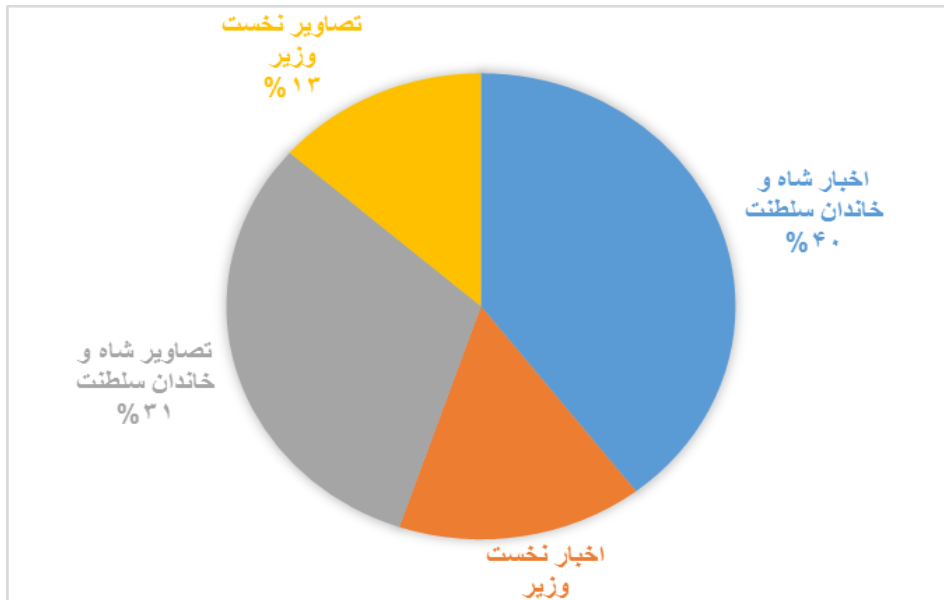
وجود گرایش‌های چپی در گذشته، بعد از دهه ۱۳۴۰ به دربار نزدیک و سناتور انتصابی مجلس سنا شده بود (مجله حافظ، ۱۳۸۶: ۵۵)؛ در افزایش بدگمانی حاملان گفتمان اسلام سیاسی به اطلاعات و کیهان تأثیر داشت و هر دو گفتمان به سمت رویارویی و تقابل همه‌جانبه با یکدیگر رفتند. با این توصیفات، پژوهش حاضر، به این پرسش پاسخ می‌دهد که تولید یا بازنشر محتوای ایدئولوژیکی در اطلاعات و کیهان چگونه بود و چرا با واکنش گفتمان اسلام سیاسی روبرو شد و واکنش آن‌ها چه مواردی را دربرمی‌گرفت؟ رویکرد این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای استوار است.

۱. منازعه دو گفتمان در موضوع تصاویر

با پیروزی انقلاب مشروطیت، از اختیارات شاه کاسته و مسئولیت ساختار اجرایی کشور به رئیس دولت^۱ و هیئت دولت سپرده شد. بنابراین، حالت طبیعی این بود که تصاویر و اخبار نخست‌وزیر که امور اجرایی کشور را در دست داشت در صفحه اول روزنامه و به‌عنوان خبر اول، انعکاس بیشتری داشته باشد، اما در ادامه اشاعه‌ی گفتمان پهلویسم، ترویج شاه‌دوستی و وفاداری به شاه بود که در مطبوعات پیگیری می‌شد. پرداختن بیش‌ازحد و افراط‌گونه‌ی روزنامه اطلاعات به سلطنت و دربار و چاپ اخبار شاه و مقامات سلطنتی بدون در نظر گرفتن اهمیت و ارزش خبری آن درخور توجه است. با جست‌وجوی روزنامه اطلاعات شماره‌های ماه‌های بهمن سال‌های ۱۳۴۲، ۱۳۴۷ و ۱۳۵۰_ که سال‌های اوج گرفتن گفتمان اسلام سیاسی بود- این نتایج به دست آمد: در بهمن‌ماه ۱۳۴۲ از مجموع ۲۳ شماره منتشرشده اطلاعات، در ۱۴ شماره، اخبار بازدیدهای داخلی و خارجی شاه و در ۱۱ شماره عکس شاه در صفحه اول به چاپ رسیده است، درحالی‌که در همین مدت تنها یک عکس از نخست‌وزیر، اسدالله علم و ۲ خبر از او درج‌شده بود. در بهمن ۱۳۴۷ از ۲۶ شماره منتشرشده، ۱۷ خبر از شاه یا خاندان سلطنت و ۱۴ عکس به چاپ رسیده است. در همین ماه، ۱۱ خبر از نخست‌وزیر و ۹ عکس از او منتشر شد. در بهمن ۱۳۵۰ تصاویر و اخبار خاندان سلطنت از ۲۴ شماره منتشرشده در این ماه، ۹ خبر و ۸ تصویر است و از نخست‌وزیر نیز ۳ عکس و خبر منتشر شد. در مجموع اخبار و تصاویر مربوط به شاه و خاندان سلطنت ۷۰ درصد و سایر مقامات حکومتی کمتر از ۳۰ درصد است.

۱. در دوره‌ی قاجار به رئیس دولت، صدراعظم گفته می‌شد. این عنوان بعداً به رئیس‌الوزرا و نخست‌وزیر تغییر یافت.

نمودار شماره ۱: مقایسه اخبار و تصاویر شاه و خاندان سلطنت با اخبار و تصاویر نخست‌وزیر



انتشار تقریباً هر روزه تصاویر شاه و درباریان در صفحه اول روزنامه اطلاعات و در برخی مواقع روزنامه کیهان و نگارش مقاله‌های متعدد درباره‌ی خاندان و بیان مزایای سلطنت سبب ایجاد و تقویت گرایش‌های ضد سلطنت در میان حاملان گفتمان اسلام سیاسی شد. این نوشته‌ها از سوی شخصیت‌های شناخته‌شده‌ای همچون رسول پرویزی، داریوش همایون، پرویز نیکخواه و... انجام می‌شد. برای نمونه رسول پرویزی نویسنده‌ی رمان‌های «شلوار وصله‌دار» و «لولی سرمست» که در آغاز زندگی سیاسی‌اش، از مخالفان حکومت پهلوی و از اعضای حزب توده بود، بعدها به‌واسطه‌ی جهانگیر تفضلی با اسدالله علم آشنا شد و به مقام و منصبی رسید. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۵۰ و ۱۰۰) وی در معرفی کتاب «امیر شوکت الملک علم امیر قائن» نوشته‌ی محمدعلی منصف، سنگ تمام گذاشت و از پدر اسدالله علم که سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در زمان نخست‌وزیری وی اتفاق افتاد، با عنوان «نمودار یک ایرانی والا» یاد کرد. (کیهان، ۶ اردیبهشت ۱۳۵۵: ۸)

در برابر چنین رویکردی، حاملان و حامیان گفتمان اسلام سیاسی، به انتشار گسترده‌ی تصاویر و عکس‌های رهبران این گفتمان، در درجه‌ی اول امام خمینی و بعد از آن دکتر شریعتی روی آوردند. دست‌به‌دست شدن مخفیانه‌ی آن‌ها در گزارش‌ها و اسناد ساواک و

شهربانی موجود است. (سیر مبارزات...، ج ۹ تا ۱۳، ۱۳۸۶؛ امام در آینه‌ی اسناد شهربانی، ج ۱-۵، ۱۳۸۳) افزون بر تصاویر شاه و خانواده سلطنتی در اطلاعات و کیهان، تصاویری نیز در روی جلد مجلات "زن روز"، "اطلاعات بانوان" و "اطلاعات دختران و پسران" منتشر می‌شد که آشکارا به سود گفتمان اسلام سیاسی بود. تصاویر نیمه برهنه از زنان و دختران ایرانی و خارجی عموماً بر روی آن‌ها درج می‌شد و این عکس‌ها در معرض دید عموم مردم قرار داشت. تأثیرگذاری این تصاویر بسیار بیشتر از محتوای عرفی‌گرای این مجلات بود، چرا که عموم مردم از بی‌سواد و با سواد بیگانه با مطالعه نشریات، آن را به چشم می‌دیدند، با در نظر گرفتن این نکته که درصد زیادی از این افراد تعلقات دینی و ایمانی داشتند و با دیدن این گونه تصاویر، احساس ناخوشایندی به آن‌ها دست می‌داد و در نتیجه آنان را به مقابله با این رویکرد نشریات، دوری از گفتمان زمینه و گرایش به گفتمان اسلام سیاسی ترغیب می‌کرد.

۲. ترویج دین دولتی در اطلاعات و کیهان و واکنش گفتمان اسلام سیاسی

در گفتمان پهلویسم، برداشت مشخصی از مذهب انجام گرفت که به خوانش دین‌داران سنتی نزدیک بود. در تفسیر سنتی، بیشتر بر مظلومیت و ستم‌دیدگی و فضایل اخلاقی امامان شیعه مانند رضا، تواضع، فروتنی و تسلیم تأکید می‌شد. این ارزش‌ها از سویی مفاهیم جدیدی برای مخاطبان خود نداشت و از سویی دیگر ترویج آن‌ها در میان توده مردم، آنان را به انفعال سیاسی بیشتر سوق می‌داد. گرامیداشت رویدادهایی چون شهادت حضرت علی (ع) یا واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) تنها با انگیزه‌ی برپایی مراسم یادبود برای آن‌ها صورت می‌گرفت و فرصتی برای عزاداری و گریه و زاری بود. توجه به جنبه‌های عاطفی این رخدادها و قرائت سوگناک و فاجعه نگر و خوانش شفاعت‌جویانه و شهادت‌گرایانه متناسب با گفتمان حاکمیت بود. (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۱۰) در مقابل چنین نگرشی، خوانش گفتمان اسلام سیاسی از مذهب بود که در آن، مبارزه‌ی سیاسی و لزوم درگیر شدن در این مبارزه در تفسیر مفاهیم مذهبی نقش محوری می‌یابد و در این گفتمان، مفهومی چون شهادت و تفسیر ویژه از آن مشخصه‌ای تعیین‌کننده بود. (عنایت، ۱۳۶۲: ۱۲۳) به عبارت دیگر، از یک سو مفاهیمی مانند فلاح، زهد، توکل، تقوا، شهادت، تقیه و انتظار تفسیر و بازسازی می‌شود که به عمل مبارزه‌ی سیاسی معطوف می‌شود و از سوی دیگر نمادهای شیعه را به عنوان تصاویر انقلابی معرفی می‌کند و شهدای شیعه، قهرمانان انقلابی و الگوهایی برای فعالیت‌های سیاسی معاصر تبدیل می‌شوند. امام خمینی با تأکید بر مفاهیمی چون عاشورا و

امام حسین، به بسیج سیاسی مردم اقدام کرد و از آن برای آماده ساختن ذهنیت ایرانیان، برای مبارزه با رژیم پهلوی بهره برد. (استوار، ۱۳۹۲: ۲۲۲)

تولید محتوای غیرسیاسی و انفعالی از مذهب در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات و نشریات دیگر آن‌ها در سال‌های متمادی از سوی افرادی با پیشینه‌ای روحانی صورت می‌گرفت. دکتر صادق جلالی فرزند آیت‌الله سید محمدباقر جلالی، ستون نویس ثابت مطالب مذهبی و ویژه‌نامه‌های مذهبی کیهان در ماه رمضان و ایام سوگواری شهادت ائمه (ع) بود. وی هنگامی که واقعه‌ی کربلا را تحلیل می‌کرد، بیشتر به معایب اخلاقی یزید می‌پرداخت. برای نمونه تیترو: «یزید هوس‌باز، یزید قمار پیشه» (کیهان، ویژه‌نامه ۷ دی ۲۵۳۵: ۶) یا «یزید، خلافت را برای عیاشی می‌خواست» (کیهان، ویژه‌نامه ۸ دی ۲۵۳۵: ۳). امام حسین (ع) جواب داد: من، هرگز با یزید بیعت نمی‌کنم. او شراب‌خواره و زشتکار است». (همان) درواقع تحلیل آئین‌های دینی در این دو موسسه با برداشت گفتمان سنتی از دین شباهت‌های بسیاری داشت. در تیترو با قلم درشت در صفحه اول ویژه‌نامه شهادت امام علی آمده بود: «وقتی علی (ع) می‌خروشید دریا از تلاطم بازمی‌ماند». (همان) برجسته‌سازی صفات و رفتارهای فردی امامان و کم‌توجهی به سایر ابعاد شخصیتی آنان، وجه دیگر این روایت‌سازی گفتمانی بود: «در تاریخ عرب، خاصه تاریخ اسلام، مردی را نشان نداده‌اند که چون علی شمشیرزن و دلیر باشد. او در هیچ جنگی چه انفرادی و چه دسته‌جمعی مقهور نشد، هرگز شکست نخورد، وقتی پای به میدان می‌نهاد، گوئی تمام وجودش حرکت و جنبش بود. مانند آتش زبانه می‌کشید، درحالی‌که هرگز جوانمردی را از دست نمی‌نهاد، علی شمشیرش هرگز آلوده به خون بی‌گناه حتی در جنگ نشد». (کیهان، ویژه‌نامه، ۲۱ مرداد ۲۵۳۷: ۱) یا تیترو «ذوالفقار علی (ع) فقط حق می‌شناخت». (همان) نمونه‌ی دیگری از این برداشت بود. افزون بر این موارد، تیترو «نخستین وحی، فرمان شروع انقلاب اسلامی بود» کیهان به مناسبت بعثت پیامبر اسلام بود. در این مقاله بار دیگر دین دولتی نمایان می‌شود چنانکه تلاش شد انقلاب سفید با حرکت حضرت محمد منطبق شود. برای نمونه: «چرا محمد باید آزار ببیند؟ برای اینکه آنچه او در آینده خواهد گفت، مساوات است، تقسیم سرمایه است و دگرگون شدن اساس و نظام اجتماعی است...» (کیهان، ۴ شهریور ۱۳۵۲: ۵) به‌طور مستقیم به اصلاحات ارضی اشاره دارد. همچنین در روزنامه اطلاعات، دکتر محمدرضا صالحی کرمانی فرزند آیت‌الله صالحی کرمانی نزدیک به دو دهه، عمده مطالب مذهبی روزنامه اطلاعات را به

نگارش درآورد. (قربانی، ۱۳۹۷: ۱۱۳) آن‌گونه که از نوشته‌های صالحی کرمانی برداشت می‌شد، وی به دنبال ارائه و طرح دیدگاهی مذهبی بود که با اقدامات و درنهایت اهداف حکومت سازگاری داشته باشد. برای نمونه وی در مطلبی مصادف با شهادت امام علی (ع) سعی در تطبیق سخنان امام علی (ع) با گفتمان پهلویسم و تحولات سیاسی روز ایران و در نتیجه توجیه دینی این اقدامات داشت. وی در این مقاله با اشاره به سازمان بازرسی شاهنشاهی که به‌تازگی ایجاد شده بود، می‌نویسد: «علی (ع): بازرسان باید بر اعمال مأمور دولت ناظر باشند» (اطلاعات، ۲۰ آذر ۱۳۴۸: ۱۰). همچنین صالحی، رسالت بازماندگان واقعه عاشورا را تبیین تشنه بودن امام حسین و یارانش تفسیر می‌کند، تفسیری که در مجامع سنتی مذهبی بیشتر بازگو می‌شود: «آنچه که حتی بیش از قتل و شهادت آتش‌به‌جان مردم زده و دل‌ها را علیه یزید تحریک نموده، همین مسئله تشنگی و محرومیت از آب است، زینب و زین‌العابدین از این راه حداکثر استفاده را نمودند، تا آنجا که لازم بود افکار مردم را علیه یزید تحریک کردند، روی این ماده آن‌چنان انقلابی بپا کردند». (اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۴؛ همچنین ر.ک: همان، ۷ فروردین ۱۳۴۸: ۱۴؛ ۱۲ مهر ۱۳۴۷: ۶، ۹، ۱۵)

در طرف مقابل نشریات گفتمان اسلام سیاسی، محتوای سیاسی از مناسبت‌های دینی تولید می‌کردند. برای نمونه در مجله انتقام یکی از نشریات حوزه علمیه قم در اوایل دهه ۱۳۴۰ ش، به مناسبت‌هایی همچون ماه رمضان و شهادت امام حسین با برجسته‌کردن مفاهیم سیاسی همچون بت‌شکنی، مبارزه با ظلم و جنایت، ظالم، دشمنی با حق آمده است: «علی پیشوای شیعیان در چنین ماهی، پس از یک‌عمر بت‌شکنی و مبارزه با ظلم و جنایت با پیشانی شکافته، یعنی با عالی‌ترین نشان افتخار مجاهدین راه خدا، چشم از این جهان فروبست، ولی مکتبی جاوید برای پیروان خود بجای گذاشت، مکتب آزادی و پیکار با ستمگران. در این مکتب سکوت در برابر ظالم، گناه و دشمنی با حق شمرده می‌شود...» (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۳۳). در همین نشریه به مناسبت شهادت امام صادق (ع)، از خلیفه عباسی با عنوان دیکتاتور یاد می‌شود: «در چنین روزی با زهر دیکتاتور وقت عباسی، شربت شهادت نوشید». (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۵۵)

نمونه دیگر، مجله بعثت بود که بازتاب افکار و اندیشه‌های روحانیون انقلابی حوزه علمیه قم بود (تاریخ انتشار ۲۳ آذر ۱۳۴۲) که از سوی عده‌ای از مبارزین انقلابی همچون اکبر هاشمی رفسنجانی، سید هادی خسروشاهی، علی حجتی کرمانی و سید محمود دعائی

منتشر می‌شد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۰: ۳۸) هدف از انتشار این نشریه، ارائه‌ی یک «مکتب اجتماعی جامع» در مقابل دو مکتب فکری جهان یعنی «کمونیسم» و «کاپیتالیسم» بود. (بعثت، ۱۳۷۶: ۴۷) این نشریه از روزنامه‌های کیهان و اطلاعات با نام «مطبوعات ضد ملی» نام می‌برد که خود را تسلیم دستگاه حاکمه کرده‌اند، وظیفه‌ای جز نشر مطالب مبتذل دیکته شده هیئت حاکمه را ندارد (همان، ۵۸) گردانندگان این نشریه پس از بیان مطالبی در تکذیب محتوای سرمقاله‌ی روزنامه اطلاعات درباره‌ی تفاهم آیت‌الله خمینی با دولت، از مردم ایران می‌خواهد که اخبار روزنامه‌های اطلاعات و کیهان را با «شک» و «تردید» بخوانند. (همان، ۸۶) آنچه از مطالب این مجله در نقل‌قول از کیهان و اطلاعات برداشت می‌شود این است که در نگاه گردانندگان نشریه بعثت، اطلاعات و کیهان یک غیر و «دیگری» بودند. برای تشریح و تأیید این مدعا می‌توان به عبارات دیگر این نشریه در توصیف نشریات این دو موسسه اشاره کرد. برای نمونه، این تعبیر از روزنامه اطلاعات در نشریه بعثت وجود دارد: «روزنامه اطلاعات مصاحبه وزیر دادگستری را با عبارتی بسیار ماهرانه و استادانه پخش کرد و بار دیگر با کمال پروپی دم از دین‌داری دستگاه رسوای حکومت زد و بحث از «عابد شدن گربه» کرد». (همان، ۱۱۲) یا درباره‌ی مجله اطلاعات بانوان چنین می‌نویسد: «مجله اطلاعات بانوان که از ارگان‌های شناخته‌شده بی‌ارزش دستگاه حاکمه است». (همان)

نویسندگان مجله بعثت، قیام امام حسین (ع) را قیام علیه حاکمیت اموی تحلیل می‌کردند. در شماره هفتم سال اول نشریه، در مطلبی با عنوان «مکتب محرم» دلایل قیام امام حسین (ع) طرح و بررسی شد. نویسندگان مجله بعثت، در این مقاله کوشیدند جنبه‌هایی از قیام امام سوم شیعیان را با تکیه بر روایات و احادیث برجسته کنند که همخوانی و هماهنگی با گفتمان اسلام سیاسی و به‌ویژه دیدگاه‌های امام خمینی داشته باشد: «ای مردم بدانید که اینان (یزیدیان) به طاعت شیطان چسبیده و از فرمان خدا سرپیچیده‌اند و فساد را از جامعه آشکار ساخته و حدود الهی را تعطیل نموده‌اند و بودجه ملت و بیت‌المال مسلمین را به خود اختصاص داده و حرام خدا را حلال و حلال او را حرام شمرده‌اند و من به تغییر دادن این روش و قیام کردن علیه‌شان از هر کس سزاوارترم». (همان، ۱۰۱) نویسندگان این مجله، همچنین با تاختن بر پیروان مذهب سنتی، انفعال و کناره‌گیری آنان از جنبه‌های مبارزه جویانه مذهب را سرزنش کردند: «بیانات طلایی امام علیه‌السلام... مشت

محکمی بر دهن‌های کسانی که فهمیده و یا نفهمیده، تحت تأثیر تعلیمات استعماری قرار گرفته‌اند، بدون توجه به این‌گونه فرمایشات پیشوایان دین و اصول قطعی مذهب می‌گویند: حساب امام از حساب ما جداست! و امام حسین تکلیف دیگری داشت». (همان، ۱۰۱-۱۰۲) پرویز خرسند از همکاران دکتر علی شریعتی نیز در مقاله‌ای با لحنی حماسی به شهادت امام حسین پرداخته و در تفسیری انقلابی از این قیام می‌نویسد: «حسین نیست [، او در خون غلتید اما من که مسلمانم هنوز زنده‌ام. هنوز توان برخاستن و جنگیدن دارم. من برای خوشایند حسین نمی‌جنگیدم که حال در غیابش سکوت کنم...». (مکتب تشیع، ۱۳۴۴: ۱۰۷)

واکنش‌ها در جبهه‌ی مقابل به‌اندازه‌ای بود که حتی مجله غیرانقلابی «درس‌هایی از مکتب اسلام»، برخی از مؤلفه‌های گفتمان پهلویسم را به چالش می‌کشید، چنانکه پس از انتقاد مجله از اقدامات حکومتی همچون جشن ۱۷ دی و کشف حجاب، برای نخستین بار در سال ۱۳۴۰ این مجله توقیف شد. درس‌هایی از مکتب اسلام دو بار دیگر در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۵۵ به دلیل چاپ مقاله‌هایی درباره‌ی وضعیت نامناسب فرهنگی کشور توقیف شد. (خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

۳. طرح و تبیین وجوه مختلف اسلام در مجلات حوزه علمیه قم

اطلاعات و کیهان بعد از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در سرمقاله‌های خود دخالت دین و روحانیون را در مسائل سیاسی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سرزنش می‌کردند. برای نمونه، کیهان نوشت: «تصور اینکه می‌توان در را به روی خود بست و با یک سیستم خاصی بدون تماس با دنیای خارج و راندن افکار نو از سر حد زندگی کرد تصوری بیهوده و باطل است» (کیهان، ۷ فروردین ۱۳۴۲: ۱۲۱) در آن‌سو، کارگزاران گفتمان اسلام سیاسی و حتی کسانی همچون علامه محمدحسین طباطبائی که غیرسیاسی بودند، در پاسخ به این سخنان، مقالاتی نوشتند. علامه طباطبائی در مقاله‌ای با عنوان «اسلام به احتیاجات واقعی هر عصری پاسخ می‌دهد» در مکتب اسلام چاپ شد، مقررات ثابت و متغیر در اسلام را تبیین کرد و برای طرح این نظریه که اسلام می‌تواند در جهان معاصر مبنای زندگی جدیدی قرار گیرد، کوشید. محمدجواد باهنر نیز مقاله‌ی «دامنه آزادی در اسلام» را نوشت. (مکتب اسلام، ۱۳۳۹: ۶۰-۶۳) مجله مکتب اسلام، غیرمستقیم به مسائل فرهنگی که می‌توانست با سیاست هم مرتبط باشد، می‌پرداخت. در یکی از شماره‌های آن، گزارشی از اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا درج شد و ضمن آن بخشی از سخنرانی حجت‌الاسلام محمدحسین بهشتی،

امام جماعت مرکز اسلامی هامبورگ آمده بود: «باید پیوسته سعی شود تا محیط پاک و سالم در چارچوب تعالیم اسلامی حاصل گردد و لازم است در چنین اجتماعی «حکومت اسلام» فرمانروایی کند». (مکتب اسلام، ۱۳۴۷: ۲۹)

مجله مکتب تشیع، از سوی عده‌ای که بعدها از رهبران گفتمان اسلام سیاسی شدند، راه‌اندازی شد. در شماره اول این نشریه که در بهار ۱۳۳۸ منتشر شد، مسائل و چالش‌های جهان اسلام و موضوعاتی همچون زنان، رابطه تمدن و تدین، برخورد ایران و غرب و شکل‌گیری استعمار بررسی شد. (مکتب تشیع، ۱۳۳۸: ۱-۶) شماره دوم این نشریه، به مباحثات علامه طباطبائی و شرق‌شناس فرانسوی‌هائری کربن اختصاص یافت. سومین و آخرین شماره مکتب تشیع که پنج سال بعد از چاپ شماره دوم، در بهار ۱۳۴۴ منتشر شد، به‌شدت در مقابل فضای گفتمان پهلویسم و تحولاتی که بر اثر اجرای اصلاحات ارضی و انقلاب سفید در ایران رخ داده بود، قرار داشت. نویسندگان این مجله، در واکنش به گفتمان حکومت، به مسائل روز ایران پرداختند. مقالاتی چون: «بحثی درباره امور دینی در ایران» به قلم محمد بهشتی، «قرآن و مشروطیت ما» نوشته‌ی خسروشاهی، «راه اصلاح در تبلیغات» به قلم محمدجواد حجتی کرمانی و «جهاد، طرح نهایی تکامل مبارزات ملی» از جلال‌الدین فارسی. در هفتمین شماره از دوره جدید، به‌طور مشخص، نگرانی از گسترش بی‌دینی در کشور را ابراز کرده و با نگاهی آرمان‌گرایانه، خصایص یک آرمان‌شهر دینی را به تصویر می‌کشند: «ما میل داریم دین در جامعه پیشرفت کند، دین‌داران بیشتر شوند، احکام مذهبی اجرا شود، مردم تربیت صحیح دینی شوند، با خرافات و افکار انحرافی و بداندیشی‌ها مبارزه شود، مفسد اخلاقی و مظالم اجتماعی ریشه‌کن شوند». (مکتب تشیع، ۱۳۴۴: ۴-۵)

در مطلب دیگری از همین شماره، به بحث «اخلاگر از منظر قرآن» پرداخته‌شده است. مصطفی زمانی نویسنده‌ی مقاله در آغاز با طعنه به نشریات گفتمان حاکمیت پهلوی که برخی از «آزادی خواهان جهان» را «اخلاگر و شورشی» خطاب کرده بودند، می‌نویسد: «راستی اخلاگر و آشوب‌طلب حقیقی کیست؟ و وطن‌پرستان حقیقی کیانند؟ و کدام دسته به فکر سعادت ملت و عظمت و استقلال ممت خویش هستند؟ و آیا اسلام در این باره نظریه‌ای دارد؟». (مکتب تشیع، ۱۳۴۴: ۱۳۸-۱۳۹) مقاله‌ی دیگر این نشریه با عنوان «آیا قوانین جزائی اسلام خشونت‌آمیز است» مواجهه روشنی با اندیشه‌های حاملان گفتمان پهلویسم دارد. صالحی نجف‌آبادی در این مقاله به انتقادات درباره‌ی خشونت‌طلبی دین اسلام

پاسخ می‌دهد. (مکتب تشیع، ۱۳۴۴: ۱۲۷-۱۳۷) نویسندگان مجله مکتب اسلام، مطالب روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و نشریات این دو مؤسسه را با دقت رصد می‌کردند و موارد خلاف شرع و مذهب این نشریات را نقد و بررسی می‌کردند. مجله مکتب اسلام در سال ۱۳۴۶ از بی‌اطلاعی گردانندگان مجله اطلاعات هفتگی از قوانین و احکام اسلام در موضوع فقهی ارتباط نامشروع مرد با زن همسرदार و اجازه‌ای که از سوی این مجله به ازدواج آنان داده شده است به شدت انتقاد می‌کند. (مکتب اسلام، ۱۳۴۸: ۷۰)

گفتمان پهلویسم، خوانش جدیدی از ناسیونالیسم که ارزش‌های لیبرالی را به دوره‌ی پیش از اسلام نسبت می‌داد، در مقیاس وسیعی ارائه می‌کرد. (کدی، ۱۳۷۷: ۳۱۱-۳۱۲) بزرگداشت مفاخر ملی چون فردوسی، نام‌گذاری شهرها، خیابان‌ها و نهادها با الهام از نامه‌ای باستانی، ترجمه‌ی متون پهلوی به فارسی و تشویق پارسی نویسی از جمله اقدامات فرهنگی بود تا احساسات و گرایش‌های ناسیونالیستی باستان گرا تقویت شود. این هویت بخشی جدید، در جهت وفاداری به شاه در نشریات اطلاعات و کیهان با تکیه بر باورهای ناسیونالیستی باستان گرا تبلیغ و اشاعه می‌شد: موسسه اطلاعات بیش از شش ماه قبل از برگزاری مراسم با تشکیل کمیته‌ای از جشن‌های دو هزار و پانصدساله پشتیبانی کرد. (اطلاعات، ۱۵ تیر ۱۳۵۰: ۲) موسسه اطلاعات همچنین به مناسبت جشن‌های تاج‌گذاری، نشریه مخصوصی به نام «کتاب پهلوی» منتشر کرد که حاوی آلبوم عکس تاج‌گذاری، شرح حال مصور و منشور خاندان پهلوی از رضاشاه تا کوچک‌ترین افراد سلطنت، همچنین ارائه‌ی گزارشی از خدمات این خاندان به ایران بود. (کتاب پهلوی، ۱۳۴۶)

امام خمینی در برابر چنین برداشتی از ناسیونالیسم، موضعی کاملاً تقابلی را برگزید و تلاش حکومت پهلوی در الگوبرداری از حکومت‌هایی مانند ترکیه و احیای مفاخر ایران قبل از اسلام را که در ایدئولوژی شاهنشاهی متبلور می‌شد را به شدت نکوهش کرد: «آن چیز مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده است و از ظلّ قرآن کریم دور می‌کند، آن قضیه نژاد بازی است... قضیه نژاد بازی یک ارتجاعی است... (صحیفه امام، ج ۱، ۳۷۷-۳۷۸) مرتضی مطهری نیز در مقابل سیاست باستان‌گرایانه حکومت پهلوی، سخنرانی‌هایی ایراد کرد که در نهایت به تألیف کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران انجامید. در بخشی از این کتاب، به مندرجات مجله فردوسی - که با نقد سخنان آل احمد در کتاب غرب‌زدگی، اسلام را عامل عقب‌ماندگی ایرانیان دانسته بود - پاسخ می‌دهد (مطهری، ۱۳۴۹: ۱۶۳-۱۶۶) مطهری در مخالفت با نمادهای باستان‌گرایی، پذیرفتن اهورامزدا را نشانه‌ی انحطاط ایرانیان می‌داند:

«حقیقتاً مایه شرمساری ایران و ایرانیان است که با اینکه چهارده قرن است به عالی‌ترین مفاهیم توحیدی نائل شده‌اند و نغزترین گفتارها را به نثر و نظم در این زمینه انشاء کرده‌اند، خدای مجسم و شاخ و بالدار برایش بکشند و بعد هم اصرار کنند که این را به‌عنوان یک آرم ملی بپذیر. اگر این انحطاط نیست پس انحطاط چیست؟» (همان، ۲۶۳) این اظهار نظر نشان از آمادگی برای واکنش آنی و به چالش کشیدن ادعاهای گفتمان پهلویسم است. مطهری در جای دیگر نیز که به نقد کتاب مزدیسنا و ادب پارسی دکتر معین می‌پردازد، رگه‌هایی از تقابل دو گفتمان دیده می‌شود؛ یکی در موضوع آتش‌پرستی و دیگری فره ایزدی. (همان، ۳۵۵-۳۵۹) یکی دیگر از ایده‌های گفتمان پهلویسم که در کیهان و اطلاعات بازتاب گسترده داشت، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بود. این موضوع نیز از سوی گفتمان رقیب به چالش کشیده شد و تألیفاتی در این باره به نگارش درآمد. همان‌گونه که پیداست، به‌محض اینکه، از سوی حامیان گفتمان پهلوی، نوشته یا عکسی در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌شد، نویسندگان و نخبگان فرهنگی گفتمان اسلام سیاسی دست‌به‌کار شده و با نگارش نقد و ردیه‌هایی به نوشته‌های آنان پاسخ می‌دادند و محتوای جدیدی تولید می‌کردند.

۴. هویت جدید زن در گفتمان اسلام سیاسی در مقابل معیارهای گفتمان پهلویسم

بخشی از فعالیت‌های غرب‌گرایانه مؤسسه‌های مطبوعاتی اطلاعات و کیهان و نشریات تخصصی آن‌ها درباره‌ی زنان، یعنی زن روز و اطلاعات بانوان، با واکنش حاملان گفتمان رقیب روبرو شد و به تولید محتوای جدید با نمادهایی مشخص از زن مسلمان ایرانی انجامید. این نشریات در راستای اهداف انقلاب سفید و همگام با انجمن‌هایی همچون سازمان زنان ایران که متشکل از گروه‌های مختلف زنان تجددگرا بود (بصیرت منش و منصور، ۱۳۹۵: ۳۰۴) تلاش می‌کردند ضمن حمایت از اقدامات دولت در دادن حقوق اجتماعی و مدنی بیشتر به زنان، گامی فراتر گذاشته و خواهان تجدیدنظر در حقوق زنان شوند. در همین راستا، از سال ۱۳۴۴ مباحثی پیرامون حق طلاق به زنان و مخالفت با چندمسری مردان در سطح جامعه مطرح شد که منجر به طرح لایحه حمایت از خانواده در مجلس بیست و یکم شورای ملی گردید. این طرح با حمایت و تشویق مجله زن روز و اطلاعات بانوان همراه بود. این مجلات با برگزاری سمینارها و ارائه‌ی گزارش‌های آن، اهداف چنین اقدامی را «انقلابی» و «متعالی» برشمردند. (زن روز، ۱۳ اسفند ۱۳۴۵: ۳۴) گفتمان مربوط به زنان از سوی حاکمیت، با مخالفت گفتمان سنتی و گفتمان انقلابی اسلام سیاسی مواجه شد و در رأس

این دو گفتمان در مخالفت با طرح لایحه حمایت از خانواده، تعدادی از مراجع تقلید (آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و روحانیون برجسته‌ای همچون مطهری قرار داشتند. (بصیرت منش و منصوری، ۱۳۹۵، ۳۱۳-۳۱۶) مرتضی مطهری در پاسخ به فضای تبلیغاتی گفتمان پهلویسم در مجله زن روز به درج مقالاتی اهتمام ورزید که بعداً در کتاب نظام حقوق زن در اسلام جمع‌آوری و منتشر شد. وی در این باره گفته بود: چون تب جایگزینی قوانین مربوط به زن و خانواده در جامعه بالاگرفته، به پیشنهاد برخی از دوستان در مقام پاسخگویی اقدام به نوشتن این مقالات کرده است. (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۵) گفتنی است مجله زن روز بر تساوی کامل حقوق زن و مرد اصرار داشت و در شماره‌های مختلف این مجله، مقالاتی در این باره نگارش و چاپ شده بود. (زن روز، ۱۸ خرداد ۱۳۴۷؛ ۵ مرداد ۱۳۴۷) افزون بر این واکنش، در نشریه مکتب اسلام به مناسبت‌های مختلف از حقوق زن، آزادی زن و مسائل دیگر مربوط به زنان از دیدگاه اسلام سخن به میان آمد. در مکتب تشیع نیز مقالاتی در این باره به چاپ می‌رسید. یکی از این مقالات را علامه طباطبایی با عنوان «زن در اسلام» نوشت. او در این مقاله با شرح تاریخچه‌ای از وضعیت زنان در جوامع باستانی تا عصر حاضر، به چالشی که گفتمان پهلویسم (ادعای محدودیت‌های اجتماعی زنان و برخوردار نبودن از حقوق مساوی) ایجاد کرده بود و مطبوعات به آن دامن می‌زدند، پاسخ گفت. طباطبایی بعد از بیان مقام و جایگاه انسانی زن از دیدگاه اسلام، مهم‌ترین دلیل جواز برای محدودیت زنان را تقدم احساس و عواطف بر تعقل زنان عنوان کرد: بر این اساس، سه جایگاهی که زنان به این دلیل که «اسلام زمام آن‌ها را به دست تعقل سپرده است» از آن محروم هستند؛ حکومت، امور قضایی و جنگ و جهاد برشمرده و دیدگاه خود را مستند به آیات و روایاتی می‌کند. (مکتب تشیع، ۱۳۳۸: ۲۹-۳۰)

گفتمان رقیب در حوزه زنان با گفتمان پهلویسم در دو موضوع تقابل اساسی داشت: ۱. پوشش و حجاب زنان ۲. نحوه‌ی حضور آنان در اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی. گفتمان زمینه هر چه بر آزاد گذاشتن زنان در این دو حوزه تأکید داشت، گفتمان رقیب محدودیت‌هایی برای زنان قائل بود. هنگامی که نشریات زن روز و اطلاعات بانوان با چاپ عکس‌ها و مقاله‌هایی، پوشش‌های غربی و مد روز دنیا را برای زنان تبلیغ می‌کرد، گفتمان رقیب مبتکر و خلاق شده و پوشش‌هایی جدید برای زنان تدارک می‌دید. بی‌پروایی مجلات گفتمان زمینه در ترویج غرب‌گرایی حتی موجب اعتراض روشنفکران غیردینی نیز شده بود چنانکه مصطفی رحیمی در سخنرانی خود در انیستیتو گوته، اظهار داشت: «انتشار

محرمانه‌ترین و خصوصی‌ترین خبر درباره‌ی رقاصان بی‌هنر و نمایش زوایای مختلف بدنشان؛ انتشار عکس قد و نیم قد اینان در رنگ‌ها و قطع‌ها و زرق‌وبرق‌های گوناگون. حاشا که مطبوعات ممیزی‌زده اجازه یابند یا جرئت کنند، از مسئله‌ای اساسی، خبری- حتی نیمه رسا- بدهند». (رحیمی، ۱۳۵۸: ۲۵) افراط گفتمان پهلویسم در حوزه‌ی مسائل زنان، به‌قدری بود که برخی ناظران دوران انقلاب، روی آوردن به چادر و حضور زنان با حجاب در تظاهرات را برای مقابله با گفتمان حاکمیت پهلوی ارزیابی می‌کردند. (براهنی، ۱۳۵۸: ۲۲۴)

۵. تولید محتوای ضد غربی و ضدآمریکایی در گفتمان اسلام سیاسی

به شرحی که گذشت، از هنگامی که مفاهیم جدید غربی به ایران وارد شد و برخی از نخبگان سیاسی به ستایش از غرب پرداختند و جامعه ایرانی را به انتخاب راه و سبک جدید زندگی ترغیب کردند، گفتمان رقیبی شکل گرفت که به مقابله با گفتمان متجدد و غرب‌گرا پرداخت. روزنامه‌های اطلاعات و کیهان، بیش از یک دهه از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا سال‌های آغازین دهه ۱۳۴۰، بی‌پرده و مستقیم، گرایش‌های غرب‌گرایانه گفتمان پهلویسم را بازتاب می‌دادند. تبلیغ زندگی زنان و مردان غربی و هنرپیشه‌ها و آوازخوانان و رقاصان اروپایی و آمریکایی در مجلات و معرفی آنان به‌عنوان الگوی مطلوب و موفق و تشویق جوانان به تقلید از سبک زندگی آنان تا اواخر حاکمیت پهلوی ادامه داشت. اغلب کسانی که تبلیغ می‌شدند از صاحب‌منصبان و مسئولین دولتی ایالات‌متحده بودند که نزد طرفداران گفتمان اسلام سیاسی، منفور و عامل استعمار تلقی می‌شدند. بنابراین عمدتاً تبلیغ، ستایش و طرفداری از آن با واکنش حاملان گفتمان رقیب مواجه می‌شد.

بخشی از تولید محتوای گفتمان اسلام سیاسی، به‌نقد و رد گرایش‌های جهان‌آزادی گفتمان پهلویسم در ابعاد سیاسی و اقتصادی اختصاص یافت. در مجله انتقام، نشریه داخلی مخفی حوزه علمیه قم، دو واژه‌ی استعمار و استثمار به‌وفور استفاده‌شده است. (انتقام، ۱۳۷۹: ۱۳۸) مجله بعثت، نیز در دهه ۱۳۴۰ بیشتر از انتقام، به مباحث استعمار و استثمار پرداخت و به تولید محتوای ضد غربی اقدام کرد. این نشریه اقدامات حکومت پهلوی را به‌گونه‌ای دستور مستقیم ایالات‌متحده و غرب می‌دانست. در اولین شماره این نشریه مخفی حوزه‌ی علمیه در بخش «حاشیه یک خبر» چنین آمده است: «با در نظر گرفتن تشابه رفتار استعمارگران در ایران و ویتنام این سؤال پیش می‌آید که آیا مأمورینی که به مدرسه فیضیه

قم حمله کردند و طلاب بی‌سلاح را به سخت‌ترین وجه مضروب و مجروح و مقتول ساختند آیا از «سیا» و یا سازمان دیگری شبیه «سیا» پول نگرفته‌اند؟!» (بعثت، ۱۳۷۶: ۳۶)

زبان سخن این دو نشریه برای نخستین بار، از حالت دفاعی به تهاجمی تبدیل شد. اگر تا پیش‌ازاین، نشریات دینی، به دفاع از باورهای مذهبی در برابر تهاجمات و شبهه افکنی‌ها می‌پرداختند، این بار این دو نشریه یک‌قدم پیش‌آمده و با همدست خواندن حکومت پهلوی با دولت آمریکا، گفتمان پهلویسم را به چالش کشیدند. در نشریات متعلق به گفتمان اسلام سیاسی، نظام سیاسی ایران، «عامل استعمار»، «قانون‌شکن» و «ضد اسلامی» معرفی می‌شد. (بعثت، ۱۳۷۶: ۵۶) بعثت در موضوع اعطای مصونیت سیاسی به مستشاران آمریکایی در مجلس بیست و یکم، به تفصیل به بررسی موضوع پرداخت. بعثت با اشاره به سابقه‌ی نقش انگلستان در امور داخلی ایران، ایالات‌متحده را جانشین آن کشور دانست و از این دو کشور با واژه‌ی «اربابان» ایران یاد کرد و پس‌از آن به شرح کاپیتولاسیون پرداخت. (بعثت، ۱۳۷۶: ۱۴۲-۱۴۳) «شکست افتضاح آمیز آمریکا» عنوان مقاله‌ای است که سیاست این کشور را در جنگ ویتنام تشریح کرده و با نقل‌قول‌هایی از رهبران خارجی، آمریکا و سیاست خارجی‌اش را محکوم کرد. (بعثت، ۱۳۷۶: ۱۹۶)

همچنین تولید محتوای ضد غربی در حوزه‌های فرهنگی نیز نمود داشت چرا که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بیش‌ازپیش فرهنگ و هنر غربی در ایران گسترش یافت؛ خوانندگان و هنرپیشگان غربی به سرمشق جوانان ایرانی بدل شدند و ارزش‌های غربی که در بسیاری موارد در تضاد با ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و مذهبی ایرانی بودند، در قامت ارزش‌های جدید مطرح می‌شدند. در نظام آموزشی حکومت به تأسیس مدارسی اقدام کرد که دختران و پسران به‌صورت مختلط در سطح دبیرستان شبانه‌روزی به تحصیل پردازند. این اقدام از سوی نشریه اطلاعات بانوان انعکاس وسیعی یافت (اطلاعات بانوان، ۴ تیر ۱۳۴۸) و مراکزی همچون کاخ‌های جوانان و کلوب مجردها برای معاشرت آزادانه دختر و پسرها ایجادشده بود، ستایش و ترویج شد. (اطلاعات بانوان، ۲ اسفند ۱۳۵۳: ۵) این تصمیم‌ها و اقدام‌های گسترده حاکمیت بیانگر شتاب روزافزون گسترش فرهنگ و هنر غربی بود. مروری بر اقدامات فرهنگی حاکمیت در زمینه‌های سینما، موسیقی (اجرای کنسرت‌های خارجی و پیروزی از شیوه‌های موسیقی غربی)، هنر (انواع هنرهای نمایشی و تجسمی و...)، تبلیغات فرهنگی (دختر شایسته، زن و مرد روز)، الگوهای فرهنگی پوشش و مدهای آرایش کاملاً نشان تقلید از سبک‌های فرهنگی و هنری غربی داشت که از سوی رسانه‌ها و

مجله‌هایی همچون زن روز و اطلاعات بانوان به آن دامن زده می‌شد. این سیاست خواسته یا ناخواسته بخش‌های مهمی از فرهنگ مذهبی و سنتی ایرانی را به چالش می‌کشید و حاشیه‌نشین می‌کرد. در این موضوع نیز مطبوعات گفتمان پهلویسم به رشد اندیشه‌های گفتمان رقیب دامن زدند. برخی از فعالان گفتمان اسلام سیاسی، در مواجهه با اندیشه‌های گفتمان پهلویسم که برای کودکان و نوجوانان مجلاتی منتشر می‌کرد، دست‌به‌کار شده و برای جلوگیری از گسترش اندیشه‌های رقیب در مجله پیام شادی که از بهمن ۱۳۵۰ ماهانه به پیوست نشریه مکتب اسلام منتشر می‌شد، مقالاتی منتشر کردند. پیام شادی که هدف آن آموزش و تبلیغ آموزه‌های دینی به نوجوانان بود، توانست برخی از مواضع گفتمان اسلام سیاسی همچون ایستادگی در برابر ظلم و ستم، جنبه‌های آرمانی دین اسلام همچون عدالت و مهربانی را در برابر اندیشه‌های گفتمان پهلویسم اشاعه دهد. با آن‌که این نشریه در شمار نشریه‌های آموزش دینی بود، (جعفریان، ۱۳۹۴: ۱۲۰۲) گردانندگان آن می‌کوشیدند با چاپ مطالب سرگرم‌کننده، به‌ویژه داستان، بر گیرایی آن بیفزایند. داستان‌های تاریخی-مذهبی تألیفی و ترجمه‌شده از نخستین دوره‌ی انتشار آن به چاپ رسید. از سال دوم نیز داستان‌هایی در قالب طنز منتشر شد. پیام شادی در قیاس با مجلات کیهان بچه‌ها و اطلاعات دختران و پسران، از نظر قالب و ساختار، تا حدودی به آن دو شبیه بود، اما از نظر محتوا افتراق اساسی داشت. با اینکه نمی‌توان آن را نشریه‌ای کاملاً منطبق با رویکرد اسلام سیاسی دانست، اما با نگاهی به نوشته‌های نویسندگان پیام شادی می‌توان رویکرد تقابلی آن را با مجلات گفتمان پهلویسم دریافت. برای نمونه، یکی از نویسندگان پیام شادی با انتقاد از رویکرد غرب‌گرایانه مجلات گفتمان پهلویسم، آنان به تقلید و درنهایت به بی‌راهه کشاندن کودکان و نوجوان متهم می‌کند و روش آنان برای تربیت نسل نوجوان کشور را نادرست و غیر اسلامی می‌داند: «دست‌اندرکاران ناآگاه بجای آنکه پرسش‌های ذهن کنجکاو و پرسشگر کودکان را با استفاده از تجربیات اسلامی و میهنی پاسخ دهند، با ترجمه و نشر کتاب‌های غربی، آن‌ها را به‌سوی یک‌راه غلط و منحرف‌کننده‌ای سوق می‌دهند». (پیام شادی، ۱۳۵۱: ۴) سرمقاله شماره یازدهم از سال دوم این نشریه نیز دغدغه‌های اسلامی آن‌ها را بازتاب می‌داد. آنان به‌شدت از طرح این نظر که تدریس زبان خارجه از دبستان آغاز شود، ابراز نگرانی کردند و نتایج این کار را ناگوار و خطرناک ارزیابی کردند. (پیام شادی، ۱۳۵۱، ش ۱۳:

کلام آخر

انتشار تقریباً هر روزه تصاویر شاه و خاندان دربار در صفحه اول روزنامه اطلاعات و در برخی موارد روزنامه کیهان و نگارش مقاله‌های متعدد درباره این خاندان و بیان مزایای سلطنت سبب ایجاد و تقویت گرایش‌های ضد سلطنت در میان حاملان گفتمان رقیب شد. خوانش دولتی مطبوعات از مذهب نیز به تولید ایده‌های جدیدی در گفتمان اسلام سیاسی انجامید. مذهب سنتی، فاجعه نگر و آمرزش طلب در گفتمان زمینه به مذهبی ستیزه‌جو و آرمان‌گرا در گفتمان اسلام سیاسی تبدیل شد. بی‌توجهی به امور مذهبی و شرعی کیهان و اطلاعات و رواج عرفی‌گرایی در تهییج حاملان گفتمان اسلام سیاسی به الزام جامعه به‌منظور رعایت شرع و احکام دین اسلام مؤثر بود. یک نمونه‌ی برجسته از این موارد، رویکرد گفتمان پهلویسم نسبت به زنان و مسائل آنان بود. در مطبوعات گفتمان پهلویسم الگوها و نمادهای زن غربی ترویج می‌شد که دیدگاه جدیدی به زنان در گفتمان اسلام سیاسی پدید آورد، دیدگاهی که هم با نگاه سنتی به زنان تفاوت داشت و هم دیدگاه‌های گفتمان پهلویسم را نفی می‌کرد و یک نوع تولید ایدئولوژیک جدید بود. گرایش افراطی طرفداران گفتمان پهلویسم به غرب و ایالات‌متحده و حمایت از آنان، سبب موج غرب‌ستیزی در میان حاملان گفتمان اسلام سیاسی شد و مطبوعات آنان در آغاز دهه ۱۳۴۰ پایه‌ی غرب‌ستیزی را بنا نهادند. درنهایت اینکه ایدئولوژی اسلام سیاسی حداقل در سه مورد، دستاوردهای جدیدی عرضه کرد که مهم‌ترین آن‌ها طرح تشکیل حکومت اسلامی بود. دومین مورد طرح و خوانش جدیدی از مذهب بود که کاملاً با نشانه‌های مذهب سنتی و مذهب در گفتمان پهلویسم اختلاف داشت، در این مورد نیز ایدئولوژی اسلام سیاسی محتوای جدیدی تولید کرد. نمونه سوم، جایگاه زن در گفتمان اسلام سیاسی بود که هم با نگاه سنتی به زنان تفاوت داشت و هم دیدگاه‌های گفتمان پهلویسم را درباره‌ی زنان نفی می‌کرد.

References

- Ostvar, Majid (2013), *The Islamic Revolution and the Battle of Symbols*, Tehran: Negahe Moaser.
- Hojjati Kermani, Mohammad, a Lecture at the conference "The role of Ayatollah Hashemi Rafsanjani in the Imam Khomeini movement", Qom, Thursday, December 20, 2016. (in Persian)
- Entegham, the internal publication of the seminary of Qom in the years 1965-1966, Mesbah Yazdi, by the efforts of Seyed Hadi Khosroshahi, Tehran, Shorouh, 2000. (in Persian)

- Braheni, Reza (1979), What has happened and will happen in the Iranian revolution, Tehran, Zaman Book. (in Persian)
- Basirat Manesh, Hamid and Turan Mansouri (2016), 21st National Assembly in the Face of the Islamic Movement, Tehran, Imam Khomeini Research Institute and the Islamic Revolution. (in Persian)
- Besat, the secret organ of the students of the seminary of Qom in the years 1965-1967, collection and introduction: Ali Hojjati Kermani, Tehran: Soroush, 1997. (in Persian)
- Jafarian, Rasoul, (2012), Currents and Religious-Political Organizations of Iran (1942-1979), Tehran, Elm. (in Persian)
- Jafarian, Rasoul (2005), Political-Islamic Essays of the Pahlavi Period, Volume 2, Tehran, Islamic Revolution Documents Center. (in Persian)
- Khosroshahi, Seyed Hadi (2011), "A look at the publication of religious press in Qom", in Baharestan Press, first year, first issue, autumn. (in Persian)
- Khalkhali, Sadegh (1982), the false and criminal Cyrus. (in Persian)
- Rahimi, Mostafa (1979), On the Islamic Republic (collection of articles), Tehran, Toos. (in Persian)
- Sahifa Imam (1999), vols. 1, 5, Tehran, Imam Khomeini Publications Institute. (in Persian)
- Enayat, Hamid (1983), Political Thought in Contemporary Islam, translated by Bahauddin Khorramshahi, Tehran, Kharazmi. (in Persian)
- Ghorbani, Hossein Ali (1998), "A Study of the Social Origin and Intellectual Tendencies of the Managers of Information and Kayhan Newspapers with Emphasis on the 1970s and 1980s" Journal of Research History, 20th year, No. 72, Spring (new period). (in Persian)
- keddie, Nikki (1990), The Roots of the Iranian Revolution, translated by Abdolrahim Gavahi, Tehran, Qhalem. (in Persian)
- Motahari, Morteza (1988), Hosseini Epic, Vol. 1, Tehran, Sadra. (in Persian)
- Motahari, Morteza (1968), Mutual services of Islam and Iran, Tehran. (in Persian)
- Motahari, Morteza (1978), The system of women rights in the family, Qom, Sadra. (in Persian)
- Tafazoli, Jahangir (1997), Memoirs of Jahangir Tafazli, Tehran. (in Persian)
- Shiite school, a collective work of scientists, May 1938, Qom, Qom Science and Theological Press. (in Persian)

- Mir Sepasi, Ali (2005), A Reflection on Iranian Modernity; Discussion on Intellectual Discourses and the Politics of Modernization in Iran, translated by Jalal Tavakolian, Tehran, Tarhe Now. (in Persian)
- Halliday, Fred (1979), Dictatorship and the Development of Capitalism, translated by Fazlullah Nik Ain, Tehran, Amir kabir. (in Persian)
- Pahlavi Book (1968), a special publication of the Information Institute on the occasion of the coronation of Emperor Aria Mehr. (in Persian)
- Hunter, Shirin (2001), The Future of Islam and the West, translated by Homayoun Majd, Tehran, Farzan Rooz. (in Persian)
- Honarmand, Manouchehr (1967), Pahlavi; Political-economic and social philosophy of the revolution of the king and the nation. (in Persian)
- Farasatkah, Maghsoud (1998), "Hermeneutics of Ashura, a look at ten readings of Ashura", Iran, Nos. 965, 969, 970, 975, June. (in Persian)
- The course of Imam Khomeini's struggles according to SAVAK documents (2007), Tehran, Imam Khomeini Publications House. (in Persian)
- Imam in the mirror of documents of Police The course of Imam Khomeini's struggles according to police documents (2004), Tehran, Imam Khomeini Publications House. (in Persian)
- Hashemi Rafsanjani's interview with Arvah Al-Wathqi, No. 68, third year, February 13, 1981. (in Persian)
- GPA, Mansour (2003), Class, Politics and Ideology in the Iranian Revolution, translated by Mohammad Salar Kasraei, Tehran, Center for the Recognition of Islam and Iran. (in Persian)
- "Memory of Dr. Mesbahzadeh", Hafez Magazine, No. 44, September 2007. (in Persian)
- Journals:
- Ettelaat newspaper; Years: 1966, 1967, 1968, 1971. (in Persian)
- Women's Information Magazine, years: 1970, 1975. (in Persian)
- Journal of Information for Girls and Boys, Year: 1966. (in Persian)
- Payame Shadi Magazine, Year: 1973. (in Persian)
- Woman of the Day Magazine, years: 1345, 1347. (in Persian)
- Kayhan newspaper, years: 1342, 1352, 1355, 1357. (in Persian)
- Journal of the School of Islam Years: 1339, 1347, 1348. (in Persian)
- Journal of Shiite School, Years: 1344, 1338. (in Persian)